

پیشنهادی در ادوار تحولات فقه امامیه*

حبیب الله عظیمی

کتابخانه ملی ایران

E – mail: habibazimi @ yahoo.com

چکیده

نگارنده در این نوشتار پس از بیان مهم‌ترین طبقه‌بندی‌های ادوار فقه امامیه و نقد آنها، طبقه‌بندی جدیدی را در این باره پیشنهاد می‌دهد که به نظر وی تأکید اصلی در آن بر روی تحولات نوپیدای فقهی در هر دوره است و همه دوره‌ها را با جامعیت کامل در بر می‌گیرد. همچنین در راستای تبیین تطورات و تحولات این دوره‌ها، ویژگی‌ها و امتیازات هر دوره به تفصیل ذکر شده است.

کلیدواژه‌ها: فقه، تاریخ فقه و فقها، ادوار فقه، اجتهاد، تشریح، اصولی،

اخباری‌گری، حکومت، ادله استنباط.

* - تاریخ وصول: ۸۱/۶/۱۹؛ تاریخ تصویب نهایی: ۸۱/۱۰/۲.
این نوشتار برگرفته از پایان‌نامه دکتری نگارنده است.

درآمد

مشخصه اصلی جریان فقه در شیعه از زمان رحلت رسول خدا (ص) تا زمان حاضر تطوّر و ارتقای آن در دوره‌های مختلف بوده است؛ اما جریان فقهی اهل سنت تا میانه‌های قرن هفتم (به ویژه تا اوایل قرن چهارم) در سیر پیشرفت خود فعال و با نشاط بود، تا آنکه در نتیجه مسدود شدن باب اجتهاد، جمود و رکود و فکر تقلیدی بر آن چیره گشت و اندیشه‌های عالمان از درک علل و مقاصد شرعی در فقه احکام به سوی حفظ و تقلید خشک منصرف شد و فقیهان تنها ملزم به تبعیت از یکی از مذاهب اربعه شدند، اگر چه حق را بر خلاف آن بیابند. در عصر حاضر پس از مفتوح شدن نسبی باب اجتهاد و رها شدن از تقلید به مذهب خاص در میان عالمان اهل سنت، بخشی از آن نشاط از دست رفته دوباره احیاء گردید.

در فقه امامیه به لحاظ مفتوح بودن باب اجتهاد در همه دوره‌ها، جریان فقهی به سوی جلو و در جهت ارتقای آن بوده است؛ اگر چه در برخی از ادوار با ظهور موانع خاص از شتاب و سرعت این جریان کاسته شده است.

با بررسی ادوار فقهی و اطلاع بر اسلوبها و مناهج فقهی فقیهان، شناخت عواملی که در تحوّل و تطوّر علم فقه سهم بوده میسر می‌گردد و اسباب و عوامل بازدارنده در فراز و نشیب ادوار فقه - همانند ظهور اخباریه در قرن ۱۱ و ۱۲ ق - دانسته می‌شود.

ادوار تدوین فقه امامیه و تقسیمات آن

منابع مختلفی که در بررسی سیر تاریخی فقه امامیه نگاشته شده، هر کدام جریان فقه شیعه را به ادوار مختلفی تقسیم کرده و هر یک از این تقسیم‌بندی‌ها با معیارهای خاصی انجام گرفته است. در میان طبقه‌بندی‌های مختلف هفت تقسیم‌بندی ذیل به طور نسبی کامل و تقریباً با وحدت مناط مشاهده می‌شود.

۱ - تقسیم‌بندی ادوار فقه امامیه به ۹ مرحله

در کتاب *ادوار فقه و کیفیت بیان آن* (جناتی، صص ۲۵ - ۶۰) دوره‌های فقه امامیه

به ۹ مرحله زیر تقسیم شده است:

۱. مرحله تشریح: از بعثت تا رحلت پیامبر (ص)؛ ۲. مرحله تبیین و تدوین: پس از رحلت پیامبر (ص) تا پایان غیبت صغری؛ ۳. مرحله دسته‌بندی و تبویب: از زمان غیبت کبری تا پایان حیات شیخ مفید؛ ۴. مرحله گسترش مسائل فقه از راه تفریع و تطبیق با اجتهاد: از زمان شیخ طوسی تا پیش از ابن ادریس؛ ۵. مرحله استدلال: از زمان ابن ادریس تا پایان حیات محقق حلّی؛ ۶. مرحله گسترش استدلال و تنقیح: از زمان علامه حلّی تا پیش از وحید بهبهانی؛ ۷. مرحله رشد و تکامل فقه: از وحید بهبهانی تا پیش از شیخ انصاری؛ ۸. مرحله تدقیق در ابحاث فقهی: از شیخ انصاری تا پیش از آخوند خراسانی؛ ۹. مرحله تلخیص مباحث فقهی: از زمان آخوند خراسانی تاکنون.

۲ - تقسیم‌بندی ادوار فقه امامیه به ۹ عصر

در کتاب *تاریخ فقه و فقها* (گرچی، صص ۱۱۷ - ۲۶۴) ادوار فقه امامیه به ۹ عصر

تقسیم شده است:

۱. عصر تفسیر و تبیین: از رحلت پیامبر (ص) تا غیبت صغری (سال ۳۲۹ ق)؛
۲. عصر محدثان: از غیبت کبری تا نیمه اول قرن ۵ ق؛ ۳. عصر آغاز اجتهاد: تقریباً مقارن با دوره پیشین و از حدود آغاز غیبت کبری (و با ظهور ابن ابی عقیل و ابن جنید) تا آخر حیات سید مرتضی (درگذشته ۴۳۶ ق)؛ ۴. عصر کمال و اطلاق اجتهاد: همزمان با حیات شیخ طوسی (درگذشته ۴۶۰ ق)؛ ۵. عصر تقلید: از وفات شیخ طوسی تا پیش از ابن ادریس (درگذشته ۵۹۸ ق)؛ ۶. عصر نهضت مجدد مجتهدان: از ابن ادریس تا پایان حیات شیخ بهایی (درگذشته ۱۰۳۰ ق)؛ ۷. پیدایش

مذهب اخباریان: از محمد امین استرآبادی تا پایان حیات شیخ یوسف بحرانی (درگذشته ۱۱۸۶ ق)؛ ۸. عصر جدید استنباط: از وحید بهبهانی تا پیش از شیخ انصاری (درگذشته ۱۲۸۱ ق)؛ ۹. عصر حاضر: از شیخ انصاری تا پایان حیات امام خمینی (درگذشته ۱۴۰۹ ق) و تا به امروز.

۳- طبقه‌بندی ادوار فقه امامیه به هفت عصر

در کتاب *موسوعه طبقات الفقهاء (سجانی، ص ۲۰)* برای جریان فقه شیعی دوره‌های ۷ گانه زیر لحاظ شده است:

۱. عصر نشاط حدیثی و اجتهادی، (۱۱ - ۲۶۰ ق): از رحلت پیامبر (ص) تا غیبت صغری؛ ۲. عصر اسلوب‌دار شدن حدیث و اجتهاد، (۲۶۰ - ۴۶۰ ق): از غیبت صغری تا شیخ طوسی؛ ۳. عصر رکود، (۴۶۰ - ۶۰۰ ق): از شیخ طوسی تا ابن ادریس؛ ۴. عصر تجدید حیات فقهی، (۶۰۰ - ۱۰۳۰ ق): از ابن ادریس تا پایان حیات شیخ بهایی؛ ۵. عصر ظهور حرکت اخباری، (۱۰۳۰ - ۱۱۸۰ ق): از محمد امین استرآبادی تا اواخر حیات شیخ یوسف بحرانی؛ ۶. عصر بالا رفتن نشاط فقهی، (۱۱۸۰ - ۱۲۶۰ ق): از وحید بهبهانی تا اواخر حیات صاحب جواهر؛ ۷. عصر ابداع فقهی، (۱۲۶۰ - تا زمان حاضر): از شیخ انصاری به بعد.

۴- تقسیم‌بندی ادوار فقه امامیه به چهار عهد

در کتاب *ادوار فقه (شهابی، ۱/۳۸۳)* دوره تقریع و استنباط احکام در شیعه به ۴ عهد و هر عهد به اعصاری تقسیم شده است:

۱. عهد صحابه؛ ۲. عهد تابعان و تابعان ایشان تا زمان غیبت صغری. این عهد به دو عصر تقسیم می‌گردد: عصر اول، از ابتدای تابعان تا زمان صادقین - امام باقر و امام صادق علیهما السلام - عصر دوم، بعد از امام صادق (ع) تا غیبت صغری؛ ۳. عهد نواب و سفرای چهارگانه تا غیبت کبری؛ ۴. عهد غیبت کبری تا عصر حاضر

(قرن ۱۴ ق) این عهد به چهار عصر تقسیم می‌شود: عصر اول، از آغاز غیبت کبری تا زمان شیخ طوسی؛ عصر دوم، از عصر شیخ طوسی تا عصر علامه حلی؛ عصر سوم، از عصر علامه حلی تا عصر وحید بهبهانی؛ عصر چهارم، از عصر وحید بهبهانی تا قرن چهاردهم.

۵- طبقه‌بندی ادوار فقه امامیه به هفت دوره

در کتاب *مروری بر تاریخ فقه و فقها* (جعفری مرندی، صص ۱۳۱ - ۱۴۱) ادوار فقه امامیه به هفت دوره تقسیم شده است:

۱. دوره تشریح: زمان حضور شارع و قانونگذار؛ یعنی از زمان پیامبر (ص) تا غیبت کبری؛ ۲. دوره تدوین: از غیبت کبری تا پیش از شیخ طوسی؛ ۳. دوره تحوّل: مقارن با حیات شیخ طوسی؛ ۴. دوره جمود و تقلید: پس از وفات شیخ طوسی تا پیش از ابن ادریس؛ ۵. دوره خیزش: از ابن ادریس تا پیش از محقق حلی؛ ۶. دوره رشد: از محقق حلی تا پیش از وحید بهبهانی؛ ۷. دوره تکامل: از وحید بهبهانی تا به امروز.

۶- طبقه‌بندی ادوار فقه امامیه به هشت دوره و مکتب

در کتاب *مقدمه‌ای بر فقه شیعه* (مدرسی طباطبائی، صص ۲۹ - ۶۲) ادوار فقه شیعه به هشت دوره و مکتب ذیل تقسیم شده است:

۱. دوره حضور امام: از رحلت پیامبر (ص) تا سال ۲۶۰ ق؛ ۲. مکتب اهل حدیث: مقارن با غیبت صغری. از ۲۶۰ تا ۳۲۹ ق؛ ۳. مکتب متکلمان: از شیخ مفید تا پیش از شیخ طوسی؛ ۴. مکتب شیخ الطائفه طوسی: از شیخ طوسی تا قرن ۸ ق؛ ۵. مکتب شهید اول: تا اواخر حیات شهید دوم؛ ۶. فقه دوره صفوی: (۹۰۷ - ۱۱۳۵ ق) بخش اول: مکتب محقق کرکی، بخش دوم: مکتب مقدّس اردبیلی، بخش سوم: مکتب اخباریان؛ ۷. مکتب وحید بهبهانی (درگذشته ۱۲۰۵ ق)؛ ۸. مکتب شیخ انصاری (درگذشته ۱۲۸۱ ق).

۷- طبقه‌بندی ادوار تحولات فقه امامیه به ۹ عصر (دیدگاه نگارنده)

نگارنده در بررسی تحولات فقه امامیه در پرتو آثار فقیهان ادوار فقه امامیه را به ۹ عصر ذیل تقسیم کرده است:

۱. عصر تبیین و نشاط حدیثی، (۱۱ - ۲۶۰ ق): از رحلت پیامبر (ص) تا غیبت صغری؛
۲. عصر تدوین و تکامل حدیث و اجتهاد، (۲۶۰ - ۴۶۰ ق): از غیبت صغری تا پایان حیات شیخ طوسی؛
۳. عصر جمود، رکود و تقلید، (۴۶۰ - حدود سال ۶۰۰ ق): پس از شیخ طوسی تا پیش از ابن ادریس؛
۴. عصر تجدید حیات فقهی، (۶۰۰ - ۱۰۳۰ ق): از ابن ادریس تا پایان حیات شیخ بهایی؛
۵. عصر ظهور حرکت اخباری، (۱۰۳۰ - ۱۱۸۰ ق): از محمد امین استرآبادی تا پایان حیات شیخ یوسف بحرانی؛
۶. عصر افزایش نشاط و رشد فقهی، (۱۱۸۰ - ۱۲۶۰ ق): از وحید بهبهانی تا اواخر حیات صاحب جواهر؛
۷. عصر ابداعات فقهی و جامعیت مسائل آن، (۱۲۶۰ - ۱۳۱۲ ق): از شیخ انصاری تا پیش از آخوند خراسانی؛
۸. عصر به کمال رسیدن ابداعات اصولی (۱۳۱۲ - ۱۳۸۰ ق): از آخوند خراسانی تا رحلت آیت‌الله بروجردی؛
۹. عصر استقرار حکومت فقهی، (۱۳۸۰ ق تا به امروز): از امام خمینی تا به حال.

نقد طبقه‌بندی‌های ادوار فقه

با بررسی طبقه‌بندی‌های شش گانه‌ای که درباره ادوار تدوین فقه امامیه ذکر شد^۱ و با ملاحظه حدود دامنه تحقیق - که پس از رحلت پیامبر (ص) آغاز شده و تا زمان حاضر استمرار می‌یابد - به نظر می‌رسد که غالب آنها از حیث جامعیت و مسانعت قابل نقد است. طبقه‌بندی‌ها مذکور - از شماره یک تا شش - در دو جهت زیر قابل خدشه است:

۱. تقسیم‌بندی شماره یک تا شش از طبقه‌بندی‌های هفت گانه پیشین.

۱. برخی چندان دقیق نبوده و دارای زیادت است. یعنی تحولات رخ داده در هر عصر و دوره بدان حد نبوده که بتوان آن را مبنای تقسیم قرار داد و قطعاً در یکایک آن طبقات برای فقه، نظرات تازه پدید نیامده است. به جز طبقه‌بندی سوم، دیگر آنها به نحوی دارای زیادت است.

۲. عمده طبقه‌بندی‌های مذکور همراه با نقصان و کاستی بوده و از حیث جامعیت قابل خدشه است؛ چرا که غالب این دسته‌بندی‌ها حداکثر تا قرن سیزدهم و تا حیات شیخ انصاری (درگذشته ۱۲۸۱ ق) پایان یافته و تحولات پس از عصر ایشان لحاظ نشده، در صورتی که برای فقه به اعتبار تفقه، پس از شیخ انصاری نیز تطوراتی رخ داده است. به جز تقسیم اول، در دیگر طبقه‌بندی‌ها از زمان وحید بهبهانی و یا شیخ انصاری به بعد موشکافی و دقت نشده و تحولات بعدی از نظر دور بوده است.

بررسی ادوار فقه و آثار فقهی امامیه

بررسی و سنجش طبقه‌بندی‌های هفت گانه مذکور، طبقه‌بندی که هم در آن جامعیت لحاظ شده و هم مانع اغیار باشد، طبقه‌بندی است که نگارنده آن را اختیار کرده است. تفصیل آن ادوار همراه با بیان امتیازات و ویژگیهای آن چنین است:

۱- دوره اول: عصر تبیین و نشاط حدیث و اجتهاد

این عصر از رحلت پیامبر اسلام (ص) به سال ۱۱ ق. شروع شده و تا آغاز غیبت صغری ادامه دارد. بدون شک رسول خدا (ص) مرجع اول در احکام شرعی و فتوای

۱. تقسیم‌بندی جعفر سبحانی در کتاب *موسوعه طبقات الفقهاء* که ادوار فقه امامیه را به هفت عصر تقسیم کرده است.

۲. تقسیم‌بندی محمد ابراهیم جناتی در کتاب *ادوار فقه و کیفیت بیان آن* که دوره‌های فقه امامیه را در نه مرحله بررسی کرده است.

ایشان به واسطه وحی مبین از جانب خداوند است؛ کلامش همان فصل الخطاب بوده که تبعیت از آن و اخذ اوامر و نواهی آن حضرت بر مسلمانان واجب است، چه در موضوع تشریح و بیان احکام و چه در موضوع قضا و فصل خصومات. در این امر اختلافی میان مسلمانان نیست و آیات متعددی بر آن دلالت دارد.^۱

چون رسول خدا (ص) مرجع اولیه مسلمانان در معارف و احکام بود، لذا اقتضا دارد که پس از رحلت پیامبر (ص) نیز افرادی باشند تا این فراغ و خلأ را پر نمایند؛ علاوه بر آنکه در منطق عقل، رها کردن بدون هدف امر صحیح نیست. این مرجع همان عترت طاهره است که به تصریح خود پیامبر (ص) همسنگ و همپراز قرآن می‌باشند.^۲ بنابراین ائمه اطهار مرجع فتاوی فقهی و تبیین‌کنندگان سنت نبوی بودند علی الاطلاق.

ائمه معصوم همواره یادآوری می‌کردند که هر چه می‌گویند مشند به قرآن و سنت نبوی است و آنان به هیچ وجه از خود مطلبی را عرضه نمی‌کنند. امامان در پاسخ برخی از پرسشگران نه تنها احکام فقهی را بیان می‌کردند، بلکه قواعد کلی ناظر بر احکام را به آنان می‌آموختند و بدین وسیله راه فهم بسیاری از احکام را توضیح می‌دادند (طارمی، ص ۱۷). موضوع دیگری که همواره امامان بر آن توجه داشتند، تصحیح خطاها و کجی‌ها بود؛ خواه این خطاها در احکام فرعی روی داده باشد و خواه در ملاکهای استنباط فقهی.

اگر چه امامان اهل بیت - علیهم السلام - بهترین مرجع اخذ احکام فقهی

۱. برای نمونه: «و ما اتاكم الرسول و فخذوه...» (حشر / ۷) و «فلا و تک لا یؤمنون حتی یحکموک» فیما شجر بینهم» (حجرات / ۱) و «یا ایها الذین آمنوا لا تقدموا بین یدی الله و رسوله» (نساء / ۶۵).
 ۲. در حدیث متواتر ثقلین: «أنتی ناری فیکم الثقلین: کتاب الله و عترتی...» این حدیث در منابع حدیثی اهل سنت نیز ذکر شده است. همچون: صحیح مسلم، ۱۲۲/۷. باب فضائل علی (ع)؛ سنن ترمذی، ۳۰۸/۲؛ مسند احمد، ۱۷/۳ و ۲۶، ۳۷۱/۴، ۱۸۱/۵؛ الطبقات الکبری ابن سعد، ۲/۲، قسم ۲.

و احادیث برای مسلمانان بودند، لکن چون آنان این احکام را به اعتبار اجتهاد شخصی و افتای فردی بیان نکرده بلکه گفته‌های آنان تفسیر و تأویل کتاب الله و یا تبیین ناگفته‌های سنت رسول خدا است، لذا بدین اعتبار بهتر است نام و ترجمه حال و مقام آنان در شمار فقیهان و مجتهدان و هم ردیف آنها ذکر نشود.

با توجه به طولانی بودن این عصر و بسیار بودن شمار محدثان و فقیهان این دوره، گروهی از آنان که از جایگاه فقهی ویژه‌ای برخوردار بوده ذیل دو گروه قابل بررسی است: (۱) گروه نخست: اصحاب فتوا از صحابه، (۲) گروه دوم: اصحاب فتوا از تابعان و تابعان تابعان و فقیهان بعدی. گروه دوم نیز زیر عنوان سه طبقه قابل تبیین است: الف. فقیهان قرن نخست و نیمه اول قرن دوم، معاصران امام علی تا امام باقر (علیهما السلام). ب. فقیهان قرن دوم، شاگردان و اصحاب امام صادق و امام کاظم (علیهما السلام). ج. فقیهان قرن سوم، شاگردان و اصحاب امام رضا (ع) تا غیبت صغری. (به سال ۲۶۰ ق).

امتیازات و ویژگیهای دوره نخست

اگر چه در این دوره، اجتهاد به صورت گسترده مطرح نبود و عنوان‌های محدث و فقیه تقریباً یک معنی را می‌رساند، لکن در عین حال می‌توان امتیازاتی را برای آن شمرد که برخی از آن چنین است (← گرجی، ص ۱۲۱؛ جعفری هرنندی، ص ۱۳۱؛ مدرسی طباطبائی، ص ۳۲):

۱. در این دوره امامان شیعه در مسائل فقهی به تبیین اصول و قواعد کلی پرداخته و تفریع و استنباط احکام جزئی را به عهده پیروان خویش گذارده‌اند.^۱ در این دوره صرف نظر از امامان معصوم که تربیت کنندگان فقیهان عصر خود بودند، بسیاری از

۱. «علینا إلقاء الاصول و علیکم بالتفریع» (حرّ عاملی، ۴۱/۱۸).

شیعیان به عنوان فقیه معروف شده‌اند.^۱

۲. شیعه در برابر نیازهای مسلمانان و مراجعات زیاد آنان، به امامان خود مراجعه می‌کردند در حالی که اهل سنت در مقابل مراجعات زیاد به فقیهان و عدم وجود احادیث به مقدار کافی و عدم دستیابی به صریح آیات قرآنی در مورد حکم همه مسائل، به قواعدی از قبیل قیاس، مصالح مرسله، استحسان و سدّ و فتح ذرایع استناد می‌کردند.

۳. در این دوره در باب حدیث کتب بسیاری نگاشته شده و در میان آنها چهارصد کتاب شهرت بیشتری پیدا کرده و به نام اصول اربعه‌نامه معروف شده است. این اصول اگرچه در حال حاضر همه آنها در دست نیست، ولی بسیاری از آنها نزد شیخ حرّ عاملی و برخی نزد علامه مجلسی و برخی هم نزد میرزا حسین نوری (امین، ص ۱۴۰) وجود داشته و آقا بزرگ طهرانی در جلد دوم الذریعه، یکصد و هفده اصول را ذکر کرده است. در این دوره نقل روایت و تدوین حدیث در میان شیعه آن چنان وسعت یافته که در هیچ عصر و دوره‌ای این طور وسعت نیافته است.

۴. این دوره از نظر تنوع گرایشهای اعتقادی میان شیعیان و اصحاب ائمه، دوره‌ای کاملاً ممتاز است. بسیاری از اصحاب امامان و دانشمندان شیعی در آن روزگار متکلمانی برجسته بوده و آرا و دیدگاههای دقیقی در مسائل کلامی از برخی از آنان نقل شده است (رجال کشی، صص ۲۶۱ و ۲۷۵؛ ابن بابویه، صص ۹۷ - ۱۰۴؛ شوشتری، صص ۱۹۸ - ۲۰۰) کتب رجال حدیث شیعی پر است از موارد اختلافات عقایدی و گرایشهای گوناگون کلامی میان شیعیان در قرون اولیه و از هواداری ائمه نسبت به متکلمان و شواهد علاقه آن بزرگواران به رشد و شکوفایی فکری شیعه (مدرسی

۱. همچون زرارة بن اعین، ابن ابی عمیر. محمد بن مسلم، یونس بن عبدالرحمن، محمد بن نعمان ملقب به مؤمن طاق و فضل بن شاذان.

طباطبائی، ص ۳۲).

۵. در قرون اولیه، محدثان ظاهرگرا که مخالف هر گونه استدلال عقلی بودند، کشفهای قطعی معتبر را نیز در حکم قیاس می‌شمرده و عمل به آن را ناروا می‌دانستند (محقق کرکی، ص ۱۷)؛ همچنان که برخی از دانشمندان متأخرتر آن را قیاس مشروع می‌خواندند. اصطلاح اجتهاد در عرف فقهی ادوار اولیه به معنی استدلالات غیرعلمی و از جمله همین رأی به کار می‌رفته (← بصری، ص ۶۱۹؛ سید مرتضی، الذریعة، صص ۶۷۲ و ۷۹۳؛ مفید، الفصول المختارة، ص ۶۱؛ صدر، ۵۵/۱) و پرهیزی که شیعه تا قرن پنجم و ششم نسبت به کلمه اجتهاد داشته و مخالفتهایی که با اجتهاد در کتابهای کلامی شیعه اظهار شده (برای نمونه ← مفید، اوائل المقالات، ص ۱۲۷؛ همو، الفصول المختارة، صص ۶۶ - ۶۹؛ سید مرتضی، الذریعة، ص ۷۹۲؛ همو، الانتصار، ص ۹۸) همه ناظر به همین معنی اصطلاحی اجتهاد بوده است. و گر نه اجتهاد به معنی استدلال تحلیلی عقلی از قرن دوم به بعد در میان شیعه رایج بوده و از اواخر قرن ۴ به صورت روش منحصر در مباحث فقهی در آمده است.

۶. در این دوره دو نوع گرایش فقهی در جامعه شیعی وجود داشته است: یکی جنبش استدلالی و اجتهادی و تعقلی که در مسائل فقهی با در نظر گرفتن احکام و ضوابط کلی قرآنی و حدیثی به اجتهاد معتقد بوده، (← خمینی، صص ۱۲۵ - ۱۲۸) و خط سنت‌گرا که به نقل و تمرکز بر احادیث تکیه داشته‌اند. کار تدوین و تجزیه فقه از حدیث، از اواخر قرن دوم و اوایل قرن سوم آغاز شده است.

۲ - دوره دوم: عصر اسلوب‌دار شدن و کمال اجتهاد

این عصر از غیبت صغری شروع شده و تا عصر شیخ طوسی ادامه می‌یابد؛ یعنی از سال ۲۶۰ تا حدود سال ۴۶۰ ق. در این عصر همان نشاط حدیثی و اجتهاد و تبیین آن که از دوره اول شروع شده بود، گردآوری و مدون گردید و در واقع حدیث و اجتهاد

در شیعه دارای سبک و اسلوب شد.

امامیه دو منهج فقهی را از امامان خود پس از غیبت امام زمان (عج) به ارث بردند: یکی ممارست در حدیث و تدوین و نشر آن و دیگری اجتهاد که بذریع آن در زمان امام سجاده (ع) کاشته شد و سپس در زمان امام باقر و امام صادق - علیهما السلام - رشد و نمود کرده و ثمره آن ظهور فقیهان بزرگی همچون زراره، ابن ابی عمیر، یونس بن عبدالرحمان، فضل بن شاذان و دیگر مجتهدان فتوا دهنده بود. بیشتر آنان در مقام افتاء ملتزم به نصّ روایت نبودند. فتوای زراره در کتاب الکافی (← کلینی، ۹۷/۷ و ۱۰۰) جمع‌آوری و ذکر شده است. امامیه این دو خط را از نیکان خود به ارث برده و در این عصر در جهت باروری این اسلوب به نقل حدیث و نقد آن ادامه دادند، همچنانکه بر تأسیس اجتهاد - به معنی اصطلاحی آن - و ایجاد تحول و تطور در آن تداوم بخشیدند. بنابراین با استمرار حدیث، اجتهاد هم استمرار پیدا کرد.^۱

امتیازات و ویژگیهای دوره دوم

در این دوره یعنی در این مدت بیش از دو قرن، اجتهاد شیعه به کمال و اطلاق خود رسید. این دوره با ظهور فقیهانی بزرگ و تألیف آثار فقهی و اصولی گرانبها، دارای ویژگیهای زیر گردید (← گرجی، ص ۱۲۹، ۱۴۱؛ طارمی، ص ۱، ۱۵؛ سبحانی، ص ۲۷۷):

۱. در این دوره مهم‌ترین منابع حدیثی شیعه امامیه تألیف شد. محدثان و مؤلفان کتب اربعه شیعه تمام روایاتی را که روایان دوره قبل به صورت متفرق و نامنظم در اصول خود یادداشت کرده بودند، بررسی کرده و از میان آنها روایاتی را که به نظرشان

۱. در کتاب المعتمد محقق حلی (ج ۱ ص ۳۳) نمونه تاریخی ذکر شده که تأکیدی است بر اینکه در میان اصحاب امامان شیعه اجتهاد وجود داشته است.

صحیح‌تر می‌رسید، هر کدام را به طور منظم و در باب مناسب خود ضبط و ثبت می‌کردند.

۲. در این دوره باب نقادی حدیث نیز میان محدثان گشوده شد؛ این نقادی نتیجه طبیعی دو واقعیت بود: نخست آنکه احادیث ائمه بدون شک از مهم‌ترین مأخذ احکام فقهی بوده و باید در صحت انتساب آنها به ائمه تحقیق شود. دوم، وجود جاعلان حدیث و راویان سهل‌گیر که هر حدیث را با کمترین دقت می‌پذیرفتند. در اثر همین تلاشها بود که معتبرترین و جامع‌ترین منابع حدیثی فقهی امامیه در این دوره شکل گرفت.

۳. در این دوره از عبارات حدیث فاصله گرفته شده و فتوا دادن بر مبنای داده‌های حدیث رایج گردید. در آغاز از آنجا که بیشتر مسائل مورد ابتلای مردم در احادیث مطرح شده بود، در نگاشته‌های فقهی تنها به تبویب احادیث بسنده می‌شد و به این ترتیب متون فقهی صرفاً حدیثی و منصوص بودند. اما هر چه زمان می‌گذشت و مباحث نو پیدا به میان می‌آمد، فقیهان ناگزیر از استنباط می‌شدند و فاصله گرفتن از عبارات حدیث و فتوا دادن بر مبنای داده‌های حدیث رواج می‌یافت. در این دوره فقه شیعه از صورت نقل متون و نصوص روایی به صورت فنی درآمد و با به کار بردن استدلال، فروع بر اصول منطبق گردید و بدین ترتیب، اجتهاد به کمال خود رسید.

۴. در این دوره در نتیجه تفریع، حکم مسائلی که در نص نیامده بود، بیان شد و همه فروع مطرح شده در آن عصر بر اصول خود تفریع شد و این امر به فقه شیعه توان فوق العاده‌ای بخشید؛ در نتیجه، جوامع فقهی مهمی به تألیف رسید^۱ که اثر آن تا سالیانی دراز در محافل علمی محسوس و مشهود بوده است.

۱. کتابهایی همچون: المقنع و الهدایه نوشته شیخ صدوق، النهایه و المبسوط نوشته شیخ طوسی، المستمسک نوشته ابن عقیل، تهذیب الشیعه و الاحمدی نوشته ابن جنید اسکافی.

۵. در این دوره توجه به احادیثی که مبانی و قواعد کلی فقه را تبیین می‌کند بیشتر شد و بحث و گفتگو دربارهٔ مباحث لفظی و عقلی که در فهم حدیث یا استنباط حکم نقش دارند نیز آغاز شد؛ در نتیجه علم اصول فقه با معیارهای مقبول نزد امامیه بطور مستقل نگاشته شد.^۱

۶. در این دوره به دلیل آنکه در مجامع علمی، آرای شیعه در کنار دیدگاههای اهل سنت قرار می‌گرفت و جلسات بحث و مناظره میان دانشمندان این دو فرقه تشکیل می‌شد، فقیهان شیعه برای پاسخ به این نیاز کتابهایی را در فقه مقارن [فقه تطبیقی] تألیف نمودند.^۲ نویسندگان این کتابها آرای فقهی شیعه و اهل سنت را در کنار هم قرار دادند و با استدلالی مناسب با منطق اهل سنت در مقام اثبات نظر شیعه برآمدند.

۷. تألیف مهم‌ترین کتب رجالی شیعه - که از ابزارهای مهم پژوهش فقهی است - از رخدادهای پر اهمیت این دوره بود. شیخ طوسی کتابی در رجال تألیف کرد و همینطور گزیده کتاب *معرفة الرجال* کشی را با عنوان *اختیار معرفة الرجال* به تألیف رساند. ابوالعباس نجاشی نیز کتاب خود در رجال را در همین عصر به رشته تألیف درآورد.

۳- دوره سوم: عصر جمود، رکود و تقلید

این عصر بعد از رحلت شیخ طوسی (به سال ۴۶۰ ق) شروع شد و تا پیش از درخشش ابن ادریس (درگذشته ۵۹۸ ق) و تا اواخر قرن ششم ادامه یافت. شیخ طوسی به لحاظ شخصیت جامع علمی و نبوغ سرشار، خدمت بزرگی به فقه امامیه کرد. درخشندگی وی در موضوعات مختلف علمی همچون حدیث، اصول فقه، فقه، تفسیر، رجال و دیگر دانشهای عصر خود بود و میراث گرانبهایی را در این علوم به جای

۱. کتابهایی همچون: *الذریعه* نوشته سید مرتضی و *العدة* نوشته شیخ طوسی در همین راستا است.

۲. همانند: *الأعلام* نوشته شیخ مفید، *الانتصار* نوشته سید مرتضی و *الخلاص* نوشته شیخ طوسی.

گذارد.^۱ شاگردان و معاصران شیخ طوسی شدیداً تحت تأثیر شخصیت جامع الاطراف و والای وی قرار گرفته و این شأنیت رفیع شیخ حائلی از قداست در قلوب آنان ایجاد کرده تا آنجا که مخالفت با آرای شیخ و نقد آن به منزله اهانت به شخصیت او تلقی می‌شد. و این حالت، عمومیت و رواج داشت؛ اگر چه کسانی هم به ندرت بودند که در آرای او مناقشه می‌کردند. از همین روی است که این دوره از فقه دوره رکود نامیده می‌شود (سبحانی، صص ۲۸۰ - ۲۸۱).

در این مدت که یکصد سال به طول انجامید، همه فقیهان در تفریعات و پیاده کردن قواعد استنباط و استخراج احکام از مصادر و مراجع، دقیقاً از شیوه شیخ طوسی تبعیت می‌کردند؛ در حالی که انتظار می‌رفت ره‌آورد شیخ طوسی، سبب پیشرفت علم و فقه گردد و روش ابداعی او، افقهای تازه‌ای را در جهت ابتکار و نوآوری برای فقهای آینده بگشاید. در این دوره برای امامیه فقیهی که فتوا دهد نبود؛ بلکه همه حاکمی و ناقل آرای پیشینیان می‌باشند؛ تا آنجا که در بررسی دقیق معلوم می‌شود بسیاری از مواردی که متأخرین آنها را مشهور بین شیخ طوسی و متابعین وی می‌دیدند، مرجع آن شهرتها به خود شیخ می‌رسد (خوانساری، ۱۶۱/۷).

امتیازات و ویژگیهای دوره سوم

اگر چه این دوره به دوره رکود نامگذاری شده، با این حال فقیهان بزرگی در این دوره پرورش یافتند و آثار و تألیفاتی را نیز از خود به یادگار گذاشتند. نتایج تلاشهای علمی را در این دوره می‌توان به عنوان ویژگیهای آن دوره در امور ذیل خلاصه کرد:

۱. به عنوان نمونه وی در حدیث دو کتاب التهدیب و الاستبصار، در اصول فقه کتاب العتقه، در فقه کتاب النهایه، الخلاف را در مسائل فقهی اختلافی میان مذاهب، و المبسوط را در تفریعات نگاشت. او همچنین در تفسیر کتاب التبیان را در ۱۰ جزء و در رجال کتابهای الرجال و الفهرست و تلخیص الکشی را تألیف نمود.

۱. در این دوره تدوین جوامع فقهی - اگر چه به طور محدود - ادامه پیدا کرد؛ به عنوان مثال ابن براج طرابلسی (در گذشته ۴۸۱ ق) جامع فقهی خود را به شیوه المبسوط شیخ طوسی لکن به ایجاز و تلخیص نگاشت و آن را المهدب نام نهاد.
۲. در این دوره متون فقهی با گامهای نسبتاً بلندتری نسبت به متون دوره سابق نگاشته شد. به عنوان مثال ابن حمزه کتاب الوسيله را مشتمل بر جمیع ابواب فقهی مقرون به استدلال مختصر و موجز نگاشت. همین طور ابن زهره کتاب غنیة النزوع را به رشته تحریر در آورد که در آن به شیوه استدلالی از سه دانش عقاید، فقه و اصول فقه سخن رفته بود.
۳. در این دوره توجه به علم اصول فقه تداوم یافت، خصوصاً توجه به عنصر عقلی و وارد کردن آن در جایگاه استدلال. ابن زهره بخشی از کتاب الغنیه خود را در علم اصول قرار داد و اعتماد وی بر عقل در مجالات خاص کتاب مشهود است. در این دوره سدید الدین حمصی رازی کتاب المصادر فی اصول الفقه را تألیف کرد و تأکید وی بر عنصر عقلی به واسطه نیرومندی او در مسائل عقلی پیش از فقیهان و اصولیان پیش از خود بود.
۴. در این دوره توجه به فقه القرآن و آیات الاحکام تداوم یافت. قطب الدین راوندی کتابی مستقل به نام «فقه القرآن» تألیف نمود. برخی از عالمان دیگر نیز در اثنای تفسیر آیات قرآن کریم از فقه القرآن بحث کرده‌اند، همچون طبرسی در تفسیر مجمع البیان و ابو الفتح رازی در تفسیر روض الجنان (← سبحانی، صص ۳۰۲ - ۳۰۳).

۴- دوره چهارم: عصر تجدید حیات فقهی

این عصر از اواخر قرن ششم و با درخشش ابن ادریس (در گذشته ۵۹۸ ق) شروع شده و تا اواخر حیات شیخ بهایی (در گذشته ۱۰۳۰ ق) و ظهور حرکت اخباری ادامه یافت. در دوره سوم تطوّر اساسی و جوهری در تفکر فقهی احداث نشده ولی در دوره

چهارم تجدید حیات فقهی با استوابعی ابتکاری و قواعد غیر مذکور در کتب پیشینیان همراه با توجه بسیار به اصول فقه و تنوع در تألیف صورت گرفته است.

در دوره سوم، مشایخ امامیه در برابر فتوای شیخ طوسی چونان یک مقلد بوده و از شیوه او بیرون نشدند تا آنکه در میدان تفکر فقهی، فقیه یگانه‌ای با فکری روشن و ذهنی پویا ظاهر گردید؛ او همان محمد بن ادریس حلی بود که در حرکت بخشیدن و پویا کردن اجتهاد شیعی، انقلابی ایجاد کرد. شهرت ابن ادریس بیشتر به جهت انتقادهای تند او از شیخ طوسی و احیای روح تحقیق و تجدید نظر در میان فقیهان امامیه بود. البته لحن تند و گاه زنده ابن ادریس در انتقاد از شیخ طوسی در آثار عالمان متأخر مورد نکوهش قرار گرفته و حتی این امر در توجه به آرای او نیز تأثیر گذاشته است. نظریه او درباره شیخ طوسی که وی در فقه از شافعی پیروی کرده؛ چندان قابل قبول برای آشنایان با آثار شیخ طوسی نبوده به ویژه آنکه خود او در تدوین کتاب *السرائر* همان شیوه را پی گرفته است. مخالفت جدی ابن ادریس با حجیت خبر واحد از نقطه‌های اوج رویایی او با شیخ الطائفه بود (طارمی، ص ۵۴؛ سبحانی، ۱۳۸۶). تصریحات ابن ادریس در آغاز و انجام کتاب *السرائر* بر آزاداندیشی و لزوم خروج از تقلید بزرگان و برخورد انتقاد با آرای فقیهان (ابن ادریس، ۱/۵۱)، روح جمود را در میان فقیهان در هم شکست و زمینه پیشرفت، اصلاح و تکامل فقه شیعه را پدید آورد. با توجه به طولانی بودن این دوره از پایان قرن ششم تا اوایل قرن یازدهم - یعنی حدود ۴۵۰ سال - ترجمه و شرح حال فقیهان هر قرن از این دوره، شایان تحقیق و بررسی جداگانه است.

امتیازات و ویژگیهای دوره چهارم

خلاصه‌ای از امتیازات و ویژگیهای دوره چهارم چنین است:

۱. تألیف متون فقهی دقیق‌تر، عمیق‌تر و پرمأنه‌تر از متون دوره‌های پیشین؛ چه

متون مفصل و مشروح مانند: *شرایع الاسلام*، *تذکره*، *شرح لمعه*، *مسالك* و *جامع المقاصد* و چه متون متوسط مانند: *الجامع للشرایع*، *تبصره*، *قواعد*، *نهایه* و *لمعه* و چه متون ملخص و کوتاه همچون: *المختصر*، *النافع*، *تلخیص المرام*، *تحریر الاحکام*.

۲. تألیف مجموعه‌های فقهی بزرگ با نظم و ترتیب بیشتر خصوصاً در قرن هفتم و دهم. مراجعه به کتابهای *تذکره الفقهاء* و *ارشاد الاذهان* از علامه حلی، شرح لمعه از شهید ثانی و *جامع المقاصد* از محقق کرکی و مقایسه آنها با کتاب *المبسوط* شیخ طوسی این واقعیت را آشکار می‌سازد.

۳. ظهور مجموعه‌های فقهی مشتمل بر فقه مقارن بین مذاهب اسلامی. مشهورترین و جامع‌ترین آن *التذکره علامه حلی* است. مقایسه *تذکره الفقهاء* علامه حلی با کتاب *الخلاف* شیخ طوسی، پیشرفت فقه مقارن را در این دوره واضح می‌سازد.

۴. ظهور شکل جدید از تألیف در فقه شیعه و آن جمع‌آوری خلیفات بین فقیهان شیعه است. علامه حلی نخستین فقیهی است که با تألیف کتاب *مختلف الشیعه* این موضوع را ابداع کرد. *مفتاح الکرامه* سید جواد عاملی، مصداق تکامل یافته‌تر این قبیل کتب است.

۵. ظهور شکل جدید از فقه با بکارگیری قواعد فقهی. علامه حلی با تألیف کتاب *الفوائد* در این جهت فتح باب کرد ولی کتاب وی شامل جمیع قواعد فقهی نبود. شهید اول با تألیف کتاب *الفوائد* و *القواعد* کتاب کامل و جامعی در این جهت نگاشت؛ اگر چه کتاب وی چندان نظم و ترتیب نداشت. فاضل مقداد سیوری با تألیف کتاب *نضد القواعد الفقهیه* به قواعد نگاشته شده در کتاب شهید، نظم و ترتیب داد.

۶. توجه و گرایش به تفسیر آیات الاحکام. در این دوره فاضل مقداد سیوری کتاب *کنز العرفان* را نگاشت و پس از او محمد بن حسن استرآبادی کتاب *معارض السؤل فی مدارج المأمول* و سپس مقتس اردبیلی کتاب *زبده البیان* را تألیف نمودند.

۷. گرایش به احکام سلطانیه و فقه حکومتی و ظهور مباحثات مکتوب میان عالمان

در مسائل مورد ابتلا پس از ظهور دولت صفویه، در این دوره - از محقق کرکی به بعد - رسائل متعددی دربارهٔ مسأله خراج و نماز جمعه در زمان غیبت به تألیف رسید.

۸. اهتمام به اصول فقه از جانب فقیهان شیعه، کتابهای اصولی در این دوره شاهد تحوّل و تطوّر کمی و کیفی بوده‌اند. مقایسهٔ کتابهای اصولی علامه حلی و دو خواهرزاده وی - عمید الدین و ضیاء الدین ابن اعرج - و فرزندش فخر المحققین با کتاب *معالم الاصول* فرزند شهید ثانی، نشان دهندهٔ تطوّر علم اصول فقه است (← سبحانی، صص ۳۸۱ - ۳۸۲؛ گرجی، ص ۲۲۷؛ طارمی، صص ۸۰).

۵- دورهٔ پنجم: ظهور اخباری‌گری

طلیعهٔ قرن یازدهم قمری میدان ظهور و جریانات مختلف فکری بود. در چنین فضای مضطرب (و کینه‌ورزی جریانات فکری نسبت به یکدیگر) مدرسهٔ اخباری ظاهر شد که با قلم عریضی بر روی علوم عقلیه خط کشید و برای عقل هیچ وزن و اعتباری چه در علوم عقلیه و چه در علوم نقلیه قائل نبود و اجتهاد و تقلید را باطل و مردود شمرد.

محمدامین استرآبادی اخباری (درگذشتهٔ ۱۰۳۶ ق) در کتاب *الفوائد المدنیة* پرچم تفکر اخباری را برافراشت. تفکر اخباریان در امور ذیل خلاصه می‌گردد:

۱. عدم حجّیت ظواهر کتاب مگر پس از ورود تفسیر از ائمه اهل بیت (علیهم‌السلام). و این به جهت: اولاً ورود احادیثی است که از تفسیر به رأی قرآن نهی کرده‌اند و ثانیاً وجود مخصّصات و مقیدات در مقابل عمومات و مطلقات است.
۲. نفی حجّیت عقل در مسائل اصولی و عدم ملازمت میان حکم عقل و نقل.
۳. نفی حجّیت اجماع بدون فرق میان اجماع محصل و منقول.
۴. ادّعی قطععی بودن صدور کلّ احادیث وارده در کتب اربعه حدیثی به جهت اهتمام امامیه به آن روایات؛ بنابراین فقه نیازی به بررسی اسناد روایات ندارد.

۵. توقف از حکم شرعی زمانی که دلیلی از سنت بر حکم موضوع دلالت نکند و احتیاط در مقام عمل^۱ (سیحانی، ۲/ ۳۸۶ - ۳۸۷).

اینها اساس تفکری است که مدرسه اخباری بر آن بنیان شد. تفاوت‌های دیگر میان اخباریان و مجتهدان یا به این اصول بر می‌گردد و یا در امور جزئی است (خوانساری، ۱۲۱/۱ - ۱۲۲).

حرکت اخباری، باب بحث در اسانید و متون روایات و نیز باب بحث درباره بسیاری از مسائل اصولی را مسدود کرد و در عمل مانع تطور حرکت اجتهادی شد. در این دوره شرح حال و ترجمه گروهی از عالمانی که متأثر از مسلک اخباری بوده از محمدامین استرآبادی (درگذشته ۱۰۳۶ ق) تا شیخ یوسف بحرانی (درگذشته ۱۱۸۶ ق) و همین‌طور گروهی از پیشاهنگان اجتهاد در عصر اخباری از حدود حیات سلطان‌العلماء (درگذشته ۱۰۶۴ ق) تا فاضل‌هندی (درگذشته ۱۱۳۷ ق) قابل تحقیق و بررسی است.

امتیازات و ویژگیهای دوره پنجم

جریان اخباری‌گری سستی‌ها و پیچیدگی‌هایی را در حوزه فقهی ایجاد کرد که منجر به نقصان نشاط اجتهادی و افزایش نشاط اخباری‌گری در احادیث شد. در کنار این آثار سلبی، آثار ایجابی نیز یافت می‌شود که همه آنها مشخصات و ویژگیهای دوره پنجم را تشکیل می‌دهند. ویژگیهای مهم این دوره عبارت است از:

۱. پراکندگی در صفوف فقها. نشاط فقهی با افزایش مستمر به سوی جلو گام بر می‌داشت که ناگاه از ناحیه جریان اخباری‌گری مورد هجوم قرار گرفت؛ در حالی که نخست از واقعیت این حرکت و سابقه و زمینه آن هیچ اطلاعی نداشت. اخباری‌ها برای

۱. به عنوان مثال استعمال دخانیات که در آن زمان از مسائل مستحلته بوده، به نظر اخباریان از صدور حکم در آن باید توقف کرد و در مقام عمل باید احتیاط کرد.

اصولیان هیچ اعتباری قائل نبوده و اصولیان هم اخباری‌ها را متهم به جمود و رکود می‌کردند و این تشّت فکری میان عالمان ادامه داشت، تا آنکه محقق بهبهانی (۱۱۱۸ - ۱۲۰۶ ق) با دلیل قاطع و برهان روشن به مقابله علمی با اخباری‌ها قیام کرد و پس از وی گروه بزرگی از فقیهان مطابق با مسلک استاد خود بهبهانی در دفع ادله آن جریان مخالف کوشیدند تا آنکه بسیاری از مخالفان به صف اجتهاد بازگشتند.

۲. کثرت مناظرات فقهی. حرکت اخباری‌گری با ظهور و مسائل مستحدثه و نویدا - مانند استعمال دخانیات - مقارن شد. و چون نژد آنان در مواردی که نصی در آن نباشد و در شبهه تحریمیه، اصل، احتیاط است، پس ترک استعمال دخانیات شعار آنان شده بود همچنانکه تجویز استعمال دخانیات شعار اصولیان گردیده بود. این نقطه عطفی را در تاریخ فقه ایجاد کرد، چرا که برای نخستین بار مسائلی مطرح شد که نصی از کتاب و سنت برای آن وارد نشده بود.

۳. زمانی که قضا برای تدوین و نشر حدیث در این دوره مناسب شد، گروهی از بزرگان اخباری‌گری دست به تألیف مجموعه‌های حدیثی جدیدی بردند که نیاز فقیهان را در مقام استنباط برآورده کند و دارای سبک و اسلوب در نظم و ترتیب و تبویب مناسب باشد. برخی از مجموعه‌های حدیثی این دوره عبارتند از: *وسائل الشیعه* تألیف شیخ حرّ عاملی (در گذشته ۱۱۰۴ ق)، *الوافی* تألیف فیض کاشانی (در گذشته ۱۰۹۱ ق)، *بحار الانوار* تألیف علامه مجلسی (در گذشته ۱۱۱۰ ق)، *عوامل المعالم* تألیف شیخ عبدالله بحرانی شاگرد علامه مجلسی و دیگر مجموعه‌های حدیثی از این قبیل.

۴. اعاده تفسیر روایی. تفسیر مأثور از عصر امامان معصوم تا زمان شریف رضی (۳۹۵ - ۴۰۶ ق) مسلک رایج بود.^۱ سپس این نوع از تفسیر رها شد و تفسیر علمی

۱. از نمونه‌های بارز این سبک از تفسیر، تفسیر علمی بن ابراهیم قمی است.

جایگزین آن گردید: همانند تفسیر التبیان شیخ طوسی و مجمع البیان طبرسی. این سبک از تفسیر تا اواخر قرن یازدهم ادامه یافت و در این زمان تفسیر مآثور دوباره به میدان بازگشت. سید هاشم بحرانی کتاب البرهان فی تفسیر القرآن را تألیف کرد و خوئیزی کتاب نور الثقلین را نگاشت.

۵. کم شدن اهتمام به علم اصول فقه. مرجع یگانه برای استنباط نزد اخباری‌ها همان کتاب و سنت بود و عقل و اصول عقلیه نزد آنها اعتباری ندارد؛ این امر باعث کم شدن گرایش به اصول فقه در این دوران حتی میان خود مجتهدان گردید. مهم‌ترین تألیف اصولی در این دوره زبدة الاصول تألیف شیخ بهایی است.

۶. تألیف نشدن مجموعه‌های فقهی. در این دوره متون مستقل و مجموعه‌های کامل فقهی که متضمن یک دوره از مباحث فقهی به طور استدلالی باشد، چندان یافت نمی‌شود؛ به جز کتاب مفاتیح الشرایع تألیف فیض کاشانی و کشف اللثام قاضل هندی، متون فقهی دیگری که در این دوره نگاشته شده، یا حاشیه و شرح بر متون فقهی قبلی است، همانند شروح و حواشی آقا حسین خوانساری و آقا جمال الدین خوانساری بر برخی از متون فقهی و ذخیره المعاد سبزواری و یا رساله‌هایی درباره برخی از مسائل خاص فقهی است؛ همانند رسائل فقهی سبزواری و فاضل تونی و رسائل متعدد شیخ سلیمانی بحرانی، شیخ عبدالله سماه‌جی و شیخ یوسف بحرانی (← سبحانی، صص ۴۱۱ - ۴۱۵؛ گرجی، ص ۲۳۷).

۶- دوره ششم: عصر از میان رفتن روحیه اخباری‌گری و بالا رفتن نشاط فقهی

در آن زمانی که نشاط و کوشش اخباری‌گری به اوج خود رسید، به رغم تلاش گروهی از محققان و اصولیان - همچون سلطان العلماء، فاضل تونی و محقق شیروانی - در جهت محدود کردن آن تلاش این گروه چندان مفید و مؤثر واقع نشد؛ تا آنکه محقق بهبهانی (۱۱۱۸ - ۱۲۰۶) برای مقابله با اندیشه اخباری‌گری از نجف اشرف به

کربلا منتقل شد؛ شهری که در آن روز جایگاه اخباریان به زعامت فقیه شیخ یوسف بحرانی صاحب حدائق بود.

بهبهانی پس از ورود به کربلا به نشر علم در آنجا قیام کرد و با هوش سرشار و ذهن پویای خود مبتکر قواعد و اسلوبهای جدیدی در علم اصول فقه شد و توانست به واسطه آنها اصول و مبانی اخباریها را فرو ریزد؛ به همین سبب وی به عنوان مجدد مذهب در ابتدای این قرن شمرده می‌شود. بهبهانی در آن زمان که زعیم شیعه و صاحب موقعیتی والا شده بود، در سایه نشر علم و معارف، شکوت اخباریها را درهم شکست و با آنان به نیکویی مبارزه کرد (آقا بزرگ تهرانی، ۱۷۱/۱).

اگرچه بهبهانی به سال ۱۲۰۶ ق رحلت کرد ولی تفکر فقهی که ایشان پرچمهای آن را برافراشته بود رو به جلو به حرکت خود ادامه داد. این امر با کوشش شاگردان فاضل او از سید محمدشوشتری (درگذشته ۱۲۰۶ ق) تا سید جواد عاملی (درگذشته ۱۲۲۶ ق) صورت پذیرفت؛ سپس به دنبال آنان گروهی دیگر از شاگردان شاگردان بهبهانی از سید محسن اعرجی (درگذشته ۱۲۴۰ ق) تا شیخ محمد حسن بن محمدباقر صاحب جواهر (درگذشته ۱۲۶۶ ق) این مسیر را ادامه دادند.

امتیازات و ویژگیهای دوره ششم

مهم‌ترین مشخصات و ویژگیهای این دوره عبارت است از:

۱. بالا رفتن نشاط فقهی و نبرد و ستیز با تفکر ارتجاعی و جمود و بازگشت عقل به میدان استدلال و احیای نقشی که محقق اول بدان قیام کرده بود و نیز کسانی که آن نقش را دنبال کرده بودند؛ به ویژه محقق ثانی و محقق اردبیلی.
۲. ظهور ابتکارات اصولی به دست وحید بهبهانی. شاگردان وی در کتب فقهی و اصولی خود از ابتکارات او استفاده کرده‌اند؛ کسانی همچون: سید علی طباطبائی در ریاض المسائل و میرزای قمی در قوانین الاصول و ملا احمد نراقی در المستند.

۳. نشاط حرکت اخباری در این دوره در هم کشیده و جمع شد و از آن چیز کمی به جای ماند. محقق بهبهانی توانست وجهه نظر پیشوای اخباری را در عصر خودش تغییر دهد. او شیخ یوسف بحرانی را کم کم متمایل به مدرسه اصولیان کرد؛ تا آنجا که وی در مقدمه دوازدهم از *مقدمات الحدائق* (بحرانی، ۱۶۷۱/۱ - ۱۷۰) از محمدامین استرآبادی به جهت بوجود آوردن زمینه اختلاف میان مجتهدان، انتقاد کرده است.

۴. تألیف مجموعه‌هایی در اصول فقه به دست عالمان بزرگی همچون: میرزای قمی صاحب *قوانین الاصول* و شیخ محمدتقی اصفهانی صاحب *الحاشیه علی المعالم* و سید ابراهیم قزوینی صاحب *ضوابط الاصول* و شیخ محمدابراهیم کلباسی مؤلف *اشارات الاصول*.

۵. ظهور مجموعه‌های فقهی بزرگ؛ مانند: *معتمد الشیعه فی احکام الشریعه* از ملا مهدی نراقی، *مستند الشیعه فی احکام الشریعه* از ملا احمد نراقی و *جواهر الکلام* از شیخ محمدحسن نجفی صاحب *جواهر* (← سبحانی، صص ۴۲۷ - ۴۲۹).

۷- دوره هفتم: عصر ابداع فقهی و جامعیت مسائل آن

حرکت علمی که پیشوای فکر و تحقیق، محقق بهبهانی در دوره قبل رهبری نمود، دو ثمره مهم بجای گذارد: نخست از بین بردن یا محدود کردن جریان فکری اخباری و دوم تربیت شاگردان بزرگی که هر کدام میراث علمی گرانقدری را در فقه و اصول به جای گذاردند و ادله و حجج اخباریان را در آثار خود رد کرده‌اند که در صدر و پیشاپیش آنان شیخ مرتضی بن محمدامین انصاری (۱۲۱۴ - ۱۲۸۱ ق) است. بدین طریق اولاً زمینه بالا رفتن مجدد نشاط اخباری‌ها از میان رفت و ثانیاً زمینه ظهور و تداوم حرکت علمی جدید با ابداع اسلوب جدید در فقه و اصول به وجود آمد و به همین لحاظ است که این دوران را عصر ابداع فقهی می‌خوانیم.

آرا و اندیشه‌های فقیهان این دوره از شیخ انصاری (درگذشته ۱۲۸۱ ق) تا

سید محمدکاظم طباطبایی یزدی (در گذشته ۱۳۳۷ ق) قابل تحقیق و بررسی است.

امتیازات و ویژگیهای دوره هفتم

دوره هفتم در حقیقت اکمال بنیان و اساسی بود که محقق بهبهانی و شاگردانش به ارث گذارده بودند. بیشتر آنچه در آثار فقیهان این دوره وارد شده، نقطه‌های آغازین و اصول آن در کتب محقق بهبهانی آمده است ولی با تفاوتی آشکار که آن، دادن اسلوب و سبک به آن اصول و تنظیم آن به شکل جدید که به واسطه آن دوره‌ای جدید را نمایان کرده است. برخی از ویژگیهای مهم این دوره چنین است:

۱. اهتمام این دوره به بخش عبادات و عقود - به ویژه بخش معاملات - از ابواب فقهی. فقیهی را در این دوره نمی‌یابیم مگر آنکه در یکی از دو باب عبادات یا معاملات دارای تألیف باشد و به همین لحاظ، در این دوره تصنیف در احوال شخصیه کمتر یافت می‌شود و کمتر از آن، تألیف در احکام و سیاسات است.^۱
۲. ظهور قسمی از تألیف در فقه و اصول به اسم تقریرات؛ این قسم مانند نگاشته‌های «امالی» است میان قداما، در امالی، استاد دروس را املا کرد و شاگرد آن را تحریر کرده سپس به نام استاد منتشر می‌کرد و این برخلاف تقریرات است؛ چرا که در تقریرات، استاد املا می‌کند و شاگرد نوشته را به اسم خودش منتشر می‌سازد.
۳. ظهور رسائل عملیه مشتمل بر آرا و فتوهای فقیه با کثرت تقریرات و به صورت مختصر؛ بدون آنکه متعرض استدلال شود. ابتکار تألیف رساله العروة الوثقی توسط سید محمدکاظم یزدی طباطبایی نقطه شروع در این جهت است.
۴. وارد شدن مسائل اصولی نشأت گرفته از ادله عقلی در فروع فقهی و گسترش دامنه مباحث فقهی و توسعه تقریرات فقهی با دقت و موشکافی.

۱. این بدان روی بود که بیشتر فقیهان این دوره از سیاست و امور حکومتی به دور بوده‌اند.

۵. پاک شدن علم اصول فقه امامیه از مسائلی شماری که کم و بیش تحت تأثیر اصول فقه اهل سنت در این علم وارد شده بود؛ مانند قیاس، استحسان و مصالح مرسله و در مقابل افزوده شدن مسائلی که بطور مستقیم یا غیرمستقیم در استنباط شیعه دخالت دارند؛ از قبیل: مباحث قطع، اصل حرمت علم به ظن، حجیت ظهور و فروع آن، حجیت ظن مطلق، اصل برائت، اصل اشتغال، تغییر و استصحاب.

۶. بنیان‌گذاری شیوه جدید در طرح مسائل اصولی در این دوره یعنی اخذ آرا یا مسأله اصولی از کتابهای فقهی فقهاء، نه اخذ تشریحی وار آن از کتب اصولی دیگر (← سبحانی، صص ۴۵۸ - ۴۵۹؛ گرجی، صص ۲۶۷ - ۲۷۷).

۸- دوره هشتم: عصر به کمال رسیدن ابداعات اصولی (و ورود مؤثر فقیهان در امور حکومتی و اجتماعی)

این دوره از آخوند خراسانی (درگذشته ۱۳۲۹ ق) شروع شده و تا رحلت آیت‌الله بروجردی (درگذشته ۱۳۸۰ ق) و تا پیش از درخشش امام خمینی در عرصه فقاهت و سیاست ادامه دارد. اگر چه محقق خراسانی آخرین حلقه از شاگردان شیخ انصاری شمرده می‌شود، ولی ایشان به آنچه از افکار شیخ انصاری اتخاذ کرده بود، ابداعات و ابتکارات جدیدی اضافه کرد و بدین طریق خود صاحب مسلک متکامل در اصول و صاحب مدرسه خاص خود شد. آخوند خراسانی نیز با اختلافی که در بسیاری از آرا و مبانی اصول با شیخ انصاری داشت و با ابداعات اصولی خود، در واقع پرچمدار عالی‌ترین مرحله علم اصول شد و به لحاظ آنکه ابداعات ایشان با دقت و موشکافی عمیق در خصوص مسائل اصول فقه بود، می‌توان وی را به عنوان مبدأ دوره جدیدی قرار داد و آن دوره را عصر تکامل ابداعات اصولی نامید.

یکی از مسائل مهمی که در زمان آخوند در ایران روی داد، انقلاب مشروطیت بود و پای آخوند در این جریان سیاسی به میدان کشیده شده. همین طور فقیهان دیگر این

دوره همچون میرزا محمدتقی شیرازی، سید حسن صدر، شیخ عبدالکریم حائری، آقا ضیاء عرافی، میرزای نائینی، سید ابوالحسن اصفهانی به نحوی در عرصه مسائل سیاسی و یا اجتماعی وارد شده‌اند و این دوره را با این ویژگی خاص نیز از دوره‌های قبل ممتاز ساخته‌اند.

امتیازات و ویژگیهای دوره هشتم^۱:

مهم‌ترین ویژگیهای این دوره عبارت است از:

۱. تبویت مسائل اصولی به شکلی که در ادوار سابق نظیر آن کمتر یافت می‌شد و سپس تقسیم آن به مباحث الفاظ و مباحث عقلیه.
 ۲. رایج شدن تألیف رساله‌های عملیه مشتمل بر آرا و فتوهای فقیه - به صورت مختصر و بدون استدلال - و انتشار آن به زبانهای مختلف تا مسلمانان در اعمال دینی و دنیایی خود بتوانند به راحتی به آنها رجوع کنند. این کار در واقع تداوم و تکمیل کار محمدکاظم یزدی طباطبائی (درگذشته ۱۳۳۷ ق) در تألیف رساله *عروة الوثقی* بود.
 ۳. توجه وافر به تدریس فقه و اصول و تربیت شاگردانی فاضل از طرف علمای بزرگ؛ همین طور دقت در انتخاب اساتید عظام و محقق و نوی یا مسافرت‌های پیاپی از جانب کسانی که در طریق اجتهاد بودند. در این دوره بیش از آنکه به تألیف آثار فقهی و اصولی توجه شود به تشکیل جلسات پر بار درس و بحث و استفاده از تقریرات استادان و تشکیل ندادن جلسات درس و بحث مستقل از سوی شاگردان مگر پس از ارتحال استاد عنایت شده است.
 ۴. نمایان‌تر شدن نقش مرجعیت و انتخاب و تعیین یک مرجع اعلم و اوریع در میان مجتهدان جامع شرایط. اگر چه مشخص شدن زعیم شیعه در دو دوره قبل یعنی
-
۱. با توجه به اینکه این دوره از ابداعات نگارنده است، ویژگیهای آن با بررسی ترجمه حال فقیهان این دوره استقراء و احصا شده است.

از زمان محقق بهبهانی و شیخ انصاری در میان فقیهان و مجتهدان مطرح بود ولی در این دوره این موضوع در میان توده مردم رواج بیشتری یافت و در نتیجه در هر مقطع زمانی یک مرجع اعلم و اوریع در میان فقیهان و نیز توده مردم معین می‌شد.

۵. دخالت فقها در امور سیاسی و تشریک مساعی آنان در امور عمومی و مصالح کلی مسلمین از ویژگیهای دیگر این دوره است. نمونه‌هایی از این قبیل دخالت‌ها عبارت است از: فتوای آخوند خراسانی به ضرورت مشروطیت در ایران به جهت مبارزه با سلطنت مستبد، صدور فتوای تاریخی میرزای دوم در جهت مبارزه با استعمار بریتانیای کبیر در عراق، فتوای سید محمدکاظم یزدی دربارهٔ جهاد با استعمار غرب در رویارویی با انگلیسی‌ها، تألیف کتاب *تشبیه الامة و تنزیه الملکه* از سوی علامه نائینی آن چنانکه این کتاب مبدأ تحول و تغییر در نظام سلطنتی مستبد ایران شد، همین طور نقش علامه نائینی در انقلاب عراق، خدمات ارزندهٔ آیت الله حائری نسبت به مستضعفین، ایجاد ابنیه تاریخی و فرهنگی در ایران و دیگر کشورهای جهان از سوی آیت‌الله بروجردی، خدمات اجتماعی و ایجاد دهها بنای خیریه و مراکز تعلیم و تربیت اسلامی در کشورهای مختلف دنیا از سوی آیت الله خروشی.

۹- دورهٔ نهم: عصر استقرار حکومت فقهی

این دوره از رحلت آیت الله بروجردی (به سال ۱۳۸۰ ق) و درخشش امام خمینی و ورود ایشان به عرصهٔ زعامت مسلمین شروع شده و تا به امروز ادامه دارد. امام خمینی شخصیت نادری بود که با تبحر در علوم مختلف از قبیل فقه، اصول، تفسیر، حدیث، اخلاق، عرفان و سیاست با درک شرایط حساس اجتماعی مبتنی بر گسترش نفوذ بیگانگان به دستگیری محمدرضا پهلوی و وابستگان او در ایران و سعی وافر آنان بر تهی کردن این سرزمین از فرهنگ پرہسار اسلام، در برابر کجروی‌های این رژیم قد علم کرد و نهایت کوشش خود را به کار برد تا نفوذ بیگانگان را قطع کند و مجد

و عظمت دیرینه اسلام را به این سرزمین بازگرداند. وی در برابر بزرگترین قدرتهای استکباری، مادی ایستاد و توانست با پیروز شدن انقلاب اسلامی در ایران، نظام جمهوری اسلامی را بنیان گذارد. با تحقق حکومت فقهی در ایران، امام خمینی به عنوان فقیهی جامع الشرایط زعامت و رهبری جامعه اسلامی را به عهده گرفت و زمینه اجرای احکام سیاسی، اقتصادی و اجتماعی اسلام در جامعه فراهم آمد. شایسته است که چنین شرایطی را به عنوان دوره مستقل در ادوار فقه دانسته و آن را عصر استقرار حکومت فقهی یا تجدید حیات سیاسی فقه بنامیم.

شرح حال و آرا و اندیشه‌های فقیهانی همچون: امام خمینی، سید محسن حکیم، سید محمدباقر صدر، سید شهاب الدین مرعشی نجفی، سید محمدرضا گلپایگانی و شیخ محمدعلی ارآکی و گروهی از شاگردان امام خمینی در این دوره قابل تحقیق و بررسی است.

امتیازات و ویژگیهای دوره نهم

مهم‌ترین ممیزات این دوره چنین است:^۱

۱. در این دوره بخش عمده‌ای از احکام معطل مانده ابواب فقهی همچون: اعتکاف، اقامه نماز جمعه و نماز عید، اجرای حدود و امور حکومتی، امر به معروف و نهی از منکر، امور حسبه، اعلان برائت در حج و دیگر موارد از این قبیل به مرحله اجرا درآمد و تألیف کتابها و رسائل مختلف درباره همین موضوعات افزایش یافت.
۲. نقش ولایت فقیه و تعیین ولی فقیه در میان مجتهدان جامع الشرایط در این دوره نمایان شد؛ مبحث ولایت فقیه و حدود اختیارات آن، مطلقه یا نسبی بودن آن

۱. این دوره نیز از تقسیمات ابداعی نگارنده بوده و ویژگیهای آن عمدتاً از بررسی زندگی امام خمینی (ره) و تاریخ انقلاب اسلامی احصا می‌گردد.

و نحوه انتخاب ولی فقیه در هر مقطع زمانی در میان عالمان و توده مردم مورد توجه قرار گرفت و کتابهای متعددی در این موضوع به نگارش درآمد.

۳. مباحث نوپیدایی همچون: احکام حکومتی، احکام ثانویه و اولیه، فقط پویا و فقه جواهری، مباحث اقتصادی جدید همانند بانکداری اسلامی و بیمه، مباحث پزشکی جدید همانند اهدا و پیوند اعضا در حوزه فقهی مطرح گردید.

۴. در این دوره نقش اقتضائات زمان و مکان در فتوای مجتهدان و صدور فتوای جدید در مسائل نو پیدا و مستحدثه مطرح شد و حکم پاره‌ای از آرای فقهی همچون: غنا و موسیقی، مجسمه‌سازی و نقاشی، خون‌کود طبیعی - به لحاظ تأثیر زمان در تحوّل احکام - تغییر پیدا کرد.

۵. مسائل و احکام حکومتی - که مبنای آن مصالح عمومی امت اسلامی با ملاحظه مصالح و مفاسد کلی مورد نظر شارع است - مطرح شد و مبنای وصل به آنها همچون تشکیل مجمع تشخیص مصلحت نظام، وحدت و تقریب بین مذاهب تبیین گردید.

منابع

- آقا بزرگ تهرانی، محمد محسن؛ *الکرام البررة*، دار المرتضیٰ للنشر، مشهد، ۱۴۰۴ق.
- ابن ادریس حلی، محمد بن منصور؛ *السرائر*، چاپ دوم، مؤسسه نشر اسلامی، قم، ۱۴۱۰ق.
- ابن بابویه، محمد بن علی؛ *التوحید*، به تصحیح هاشم حسینی تهرانی، جامعه مدرسین حوزه علمیه، قم، [۹۱۳۶۳].
- امین، محسن؛ *اعیان الشیعه*، به تحقیق حسن امین، دار المعارف للمطبوعات، بیروت، ۱۴۰۶ق.
- بحرانی، شیخ یوسف؛ *الحدائق الناضرة فی احکام العترة الطاهرة*، تحقیق محمدتقی ایروانی، دار الکتب الاسلامیه، نجف، ۱۳۷۷ق.
- بصری، محمد بن علی؛ *المعتمد فی اصول الدین*، به تصحیح محمد حمیدالله، دمشق، ۱۹۴۶م.

- جعفری هرنندی؛ *مروری بر تاریخ فقه و فقهاء*، اداره کل حج و اوقاف استان مازندران، [بی جا]، ۱۳۷۱ش.
- جناتی، محمدابراهیم؛ *ادوار فقه و کیفیت بیان آن*، چاپ اول، سازمان انتشارات کیهان، تهران، ۱۳۷۴ش.
- حرّ عاملی محمد بن حسن؛ *وسائل الشیعة*، دار احیاء التراث العربی، ۸۹ - ۱۳۷۶ق.
- [امام] خمینی، روح الله؛ *رساله فی الاجتهاد و التقليد*، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، ۱۳۸۵ق.
- خوانساری، محمدباقر؛ *روضات الجنات*، به تحقیق اسدالله اسماعیلیان، مکتبه اسماعیلیان، تهران و قم، ۱۳۹۲ق.
- سبحانی، جعفر؛ *موسوعه طبقات الفقهاء*، چاپ اول، مؤسسه امام صادق (ع)، قم، ۱۴۱۸ق.
- سید مرتضی، علی بن حسین؛ *الاتصار*، جامعه مدرسین حوزه علمیه، مؤسسه نشر اسلامی، قم، ۱۴۱۵ق.
- _____؛ *الذریعه الی اصول الشریعه*، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۴۸ - ۱۳۴۶ش.
- شوشتری، اسدالله؛ *کشف القناع*، تهران، ۱۳۱۷ق.
- شهابی، محمود؛ *ادوار فقه*، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۲۹ - ۱۳۳۶ش.
- صدر، محمدباقر؛ *دروس فی علم الاصول*، جامعه مدرسین حوزه علمیه، مؤسسه نشر اسلامی، قم، ۱۴۱۵ق.
- طارمی، حسن؛ *تاریخ فقه و فقها (۲)*، چاپ اول، مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه پیام نور، تهران، ۱۳۷۵ش.
- کشی، محمد بن عمر؛ *رجال الکشی*، به تصحیح حسن مصطفوی، مشهد، ۱۳۴۸ق.
- کلینی، محمد بن عمر؛ *الکافی*، به تصحیح و تعلیق علی اکبر غفاری، دار الکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۸۸ق.
- گرجی، ابوالقاسم؛ *تاریخ فقه و فقهاء*، چاپ سوم، انتشارات سمت، تهران، ۱۳۷۹ش.
- محقق کرکی، علی بن حسین؛ *طریق استنباط احکام*، به تصحیح عبدالهادی فضلّی، نجف، ۱۹۱۷م.
- مدرسی طباطبائی، حسین؛ *مقدمه‌ای بر فقه شیعه*، ترجمه محمد آصف فکرت، بنیاد پژوهشهای اسلامی، مشهد، ۱۳۶۸ش.
- مسلم بن حجاج؛ *صحیح مسلم*، مؤسسه عز الدین للطباعة و النشر، بیروت، ۱۴۰۷ق.

- مفيد، محمد بن محمد؛ *اوائل المقالات*، المؤتمر العالمي لالفية الشيخ المفيد، قم، ١٤١٣ق.
- _____؛ *الفصول المختاره*، دار المفيد، بيروت، ١٤١٤ق.
- مامقاني، عبدالله؛ *تنقيح المقال*، نجف اشرف، ١٣٥٢ - ١٣٥٠ق.

